چرا جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان مهم است؟

نبض سینمای کودک

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

حتما بچه‌های درد و برزان را زیاد دیده‌اید که عمدتا سر در گوشی‌های موبایل دارند و بیشتر وقت‌شان را با دنیای جدید سرگرمی سر می‌کنند. به‌نظر شما چه میزان از این تولیداتی که بازی‌های موبایلی و فیلم‌های کوتاه شاملش می‌شوند تا حتی انیمیشن‌های خارجی با دنیای امروز کودکان و زیست ایرانی تناسب دارند. واقعیتش این است که دنیا و خاطراتی که برای کودکان امروز ساخته می‌شود، متاثر از همه این تولیداتی است که در جای دیگری از دنیا و با اهداف و سیاستگذاری‌های دیگری در صنعت فرهنگ ساخته شده است.

اگر از منظر نیاز به تولید محتوای متناسب با کودک و نوجوان ایرانی به مساله سینمای ایران نگاه کنیم، قطعا به این سوالات خواهیم رسید که نسبت سینمای امروز ما با دنیای کودکان چیست؟ آیا فیلمسازان و مدیران فرهنگی می‌توانند دنیای کودکان امروز را درک کنند و برایشان قصه‌هایی بسازند که ویژه پرده بزرگ سینما یا حتی قاب‌های کوچک موبایل‌ها جایی داشته باشند. در شرایطی که فرصت‌های اندکی پیش می‌آید تا به صورت ویژه درمورد دنیای کودکان و نوجوانان حرف زده شود، آیا دستگاه‌های فرهنگی از امکان هایی مثل رویداد مهم جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان استفاده می‌کنند. این رویداد فرهنگی چه معنیترین و باسابقه‌ترین جشنواره‌های ویژه کودک در منطقه خاورمیانه است و می‌تواند ارزشمند که حالا در دست مدیران سینمایی است و حمایت و هدایت دقیق آن می‌تواند فرصت‌های تولید انبوه آثار ویژه سینمای کودک با مخاطب فراگیر را فراهم کند.

فراز و فرودهای یک رویداد مهم ایرانی

جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان، رویدادی سینمایی است که از سال ۱۳۶۱ (اکنون طی ۴۵ دوره برگزار شده، برگزاری این محفل فرهنگی ویژه کودکان و نوجوانان با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بوده و ۲۱ دوره آن در شهر اصفهان، ۶ دوره در شهر تهران، ۵ دوره در شهر همدان و یک دوره در شهر کرمان برگزار شده است. دوره‌های ۳۳ و ۳۴ این جشنواره نیز به‌دلیل شرایط متاثر از پاندمی کرونا در کشور به‌صورت همزمان در تهران و اصفهان و در قالب مجازی برگزار شد و فقط فیلم‌های بلند سینمایی در دیگر سالن موبایل‌ها جایی داشته باشند. در شرایطی که فرصت‌های اندکی پیش می‌آید تا به‌صورت ویژه درمورد دنیای کودکان و نوجوانان حرف زده شود، مهرماه، ۶ دوره در بهمن ماه، ۳ دوره در آبان ماه، ۳ دوره در شهریور ماه، ۲ دوره در تیرماه، یک دوره در اردیبهشت‌ماه و یک دوره در مردادماه برگزار شده است. جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان از اولین تا پنجمین دوره برگزاری زیر نظر جشنواره فیلم فجر بود. اگرچه از دوره سوم به این سو هویت مستقل خود را به‌مرور شکل بخشید. با این حال ششمین جشنواره کودک و نوجوان هویتی مستقل یافت و به دبیری علیرضا شجاع‌نوری از تاریخ سیزدهم تا بیستم آبان‌ماه ۱۳۶۹ در شهر اصفهان برگزار شد.

در ثمنام سال‌های برگزاری ۳۵ دوره جشنواره، اعتبار این رویداد مهم رابطه‌ای دو سویه به میزان رونق سینمای کودک در کشور داشته است. برخلاف مدعی‌ها، با برگزاری این جشنواره، نشاط و هیجان عمومی را در اصفهان دیدیم. واضح است آن رسانه‌هایی که عمدتا در خارج از مرزها هستند و یک سال بر طبل ناامیدی مردم می‌کوبند، در فضای پاس و سرخوردگی را در کشور دنبال می‌کردند، نسبت به چنین نشاط اجتماعی واکنش نشان دادند. اگر واکنش نشان نمی‌دادند معلوم بود کار ما موفق نبوده است و با این واکنش مرتفع توقیع و الزبخشی این جشنواره شدیم که در فضای داخلی کشور توانست گفتمان سازی کند. شعار «به سمت قله» شعاری بود که برگرفته از ادبیات راهبردی رهبری است. رسانه‌های بیگانه این راهزنی ثابت‌شده که ما در حوزه کودک و نوجوان و نشاط اجتماعی شعاری راگفتمان جشنواره فیلم کنیم که موفقیت نسل آینده را نمایان می‌کند. اما آن چیزی که گفتند مورد بی‌منطقی بود. مثلا ۸۲۵ هزار کودک و نوجوان داشتیم و تقریبا به‌طور مساوی فرزندان ما اعم از دختران و پسران ثبت نام کردند و ۸۱۵ پسر و ۸۳۰ دختر داشتیم که تعداد داوران مساوی بود و دو سینمایی که به اینها اختصاص دادیم هر کدام ۲۵۰-۲۶۰ صندلی داشت و صندلی‌ها به نسبت داوران به‌طور طبیعی برابر بود تا بچه‌ها راحت‌تر باشند. ضمن اینکه از مدارس هم روزانه هزار تا هزار و ۵۰۰ نفر می‌آمدند و برای جلوگیری از سردرگمی دو سالن مجزا با این نسبت کمی و کیفی که داوران ثبت‌نام کرده بودند، مهیا شد. طبیعی از خانواده‌ها بابت این تدبیر از ما تشکر کردند چون بچه‌ها اغلب روزها سه سانس فیلم می‌دیدند. در یک روز پذیرج نوبت فیلم می‌دیدند و طبیعتا تماشای سه تا پنج فیلم طی یک روز نیاز داشت محیط با آرامشی برای بچه‌ها باشد و رسانه‌های غربی چون نمی‌توانستند برای جشنواره حاشیه درست کنند، دنبال آسمان و ریسمان بافتن بودند و این خبرسازی‌ها واهی را التهاب دادند. از اینکه این خبر منتشر شد ما خوشحال شدیم چون توفیق جشنواره را در این خبرهای حاشیه‌ای می‌توان جست‌وجو کرد.

مجید زین‌العابدین، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دنبال سازوکار حمایت از اکران فیلم کودک هستیم

وقتی به دهه ۷۰ برمی‌گردیم و به لیست بلندبالای فیلم‌های کودک و نوجوان نگاه می‌کنیم، به فیلم‌هایی می‌رسیم که هم در جشن آثارسینمایی تنوع داشتند و هم در جذب مخاطبان کودک و پرروق شدن گیشه مؤثر بودند. حمایتی که از این جنس سینما وجود داشت باعث می‌شد تا کارگردانان بیشتری سراغ ساخت فیلم‌های کودک بروند. به نظر می‌رسد از آن سینما فقط یادآوری خاطرات گذشته باقی مانده و این روزها سینمای کودک و نوجوان با بحران مخاطب مواجه است. بحرانی که منشأ آن از یک سو دلایل برون‌سینمایی مثل بی‌میلی تهیه‌کنندگان در تولید فیلم کودک و ظهور سرگرمی‌های نازه است و از سوی دیگر، دلایلی مثل ضعف فیلمنامه‌نویسی و قصه‌پردازی، کم‌بضاعتی تکنیکی و فنی، نبود خلاقیت و نوآوری در اجرا و درنهایت عدم فهم کودک است. سی‌وپنجمین جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان هفته گذشته در اصفهان بعد از چهار سال وقفه برگزار شد، جشنواره‌ای که شاید بتوان گفت فیلمی قوی که در حد و اندازه این حوزه باشد، نداشت اما نفس برگزاری آن مهم است و حتما می‌تواند، در مسأله‌مند شدن مخاطب کودک مؤثر باشد. به بهانه برگزاری این جشنواره، گپ‌وگویی با مجید زین‌العابدین، مدیرعامل سینمایی فارابی و دبیر جشنواره سی‌وپنجم فیلم کودکان و نوجوانان داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

یکی از انتقاداتی که به خصوص در سال‌های اخیر در مورد جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان مطرح می‌شود، این است که مجموعه آثاری که در این رویداد حضور دارند، جایگاهی روی پرده سینما یا بدنه اجتماعی ندارند.

در صحبت‌هایتان به انیمیشن‌های موفق این چند سال اشاره‌ای داشتید، برای این حوزه چه اقداماتِ حمایتی در نظر گرفتید؟ این سوال را از این جهت می‌پرسم که ما انیمیشن‌های موفق در این چند سال کم نداشتیم. حتما حضور و سرمایه‌گذاری در این مسیر می‌تواند به سینمای کودک کمک کند.

برای حمایت از صنعت پویانمایی که می‌تواند صنعت فراملی باشد و تولیدات آن بازار منطقه‌ای و جهانی پیدا کند، وزارت ارشاد به سازمان سینمایی یک طرح راهبردی داده است و این سازمان هم مکلف شده بنیاد ملی انیمیشن را راه‌اندازی کند. طرح راهبردی بنیاد ملی انیمیشن در سازمان سینمایی در حال تدوین است و یکی از بازوهای جدید سازمان سینمایی در حوزه انیمیشن می‌شود که صرفا متمرکز بر صنعت پویانمایی است. از این طریق، سازمان سینمایی وارد صنعت استقلیم از صنعت پویانمایی و فیلم‌های اینمی صنعت می‌شود. البته برخی از نهادهای فیلمساز در کشور همچون حوزه هنری تمرکز زیادی بر این حوزه دارند و بخش خصوصی هم اقدامات خوبی در پویانمایی می‌توانند دنبال کنند و فیلم‌های پویانمایی نهادی و بخش خصوصی نشان می‌دهد بخش خصوصی هم جدی در این زمینه وارد شده و فکر می‌کنم ۲۰-۳۰ درصد فیلم‌هایی که در این دوره از جشنواره بودند متعلق به بخش خصوصی است و ۶۰ درصد متعلق به بخش دولتی، که ورود ۲۰ درصدی بخش خصوصی به صنعت پویانمایی موضوع مهمی است.

چرخه صنعتی سینمای کودک در همه جای دنیا معطوف به تولید و اکران سینمایی نیست بلکه جریان‌هایی حول‌وحوش یک اثر سینمایی کودک شکل می‌گیرد که نقش مهمی در بازاریابی آن محصول دارد.

به تولیدات کودک و نوجوان باید به‌عنوان یک حوزه منظومه‌ای نگاه کرد، از این جهت که در صنایع خلاق فرهنگی، تولیدات کودک و نوجوان بتواند چرخه مکمل داشته باشد و در چرخه تولیدات فعال فرهنگی ورود کند که از جمله آن کتاب است. شخصیت‌های فیلم‌های کودک‌مان باید در حوزه نوشت‌افزار، لباس و لوازم‌التحریر و سایر حوزه‌های مکمل بتواند به صورت منظومه کامل تولید شده و زیست محیط بچه‌ها را کنترل کند. در جشنواره امسال با شیرازی فرهنگ عمومی فکری کردیم که از صنایع فعال فرهنگی حمایت شود. الگوسازی شود و تهیه‌کننده‌ها، فیلمسازان ما و تولیدکنندگان صنایع خلاق ما به این فکر بیفتند که دست به دست هم بدهند و از شخصیت‌ها و نمادهای فیلم‌های کودک و نوجوان در صنایع مکمل فرهنگی استفاده کنند. با شورای فرهنگ عمومی تفاهم کردیم که شدیم و فرصت کمی بود که ارزیابی کنیم ولی یک جایزه برای صنایع خلاق فرهنگی امسال در جشنواره پیش‌بینی کردیم که شورای فرهنگ عمومی از آن حمایت می‌کند. امیدواریم تعیین یک جایزه برای صنایع خلاق فرهنگی کمک کند تا فیلمسازان و دست‌اندرکاران صنایع خلاق به فکر تکمیل این چرخه و کامل کردن این منظومه باشند.

حاشیه‌ای در جشنواره اتفاق افتاد و رسانه‌های آن طرفی هم به آن پرداختند که چرا سالن‌های نمایش فیلم برای دختران و پسران به صورت مجزا فیلم پخش می‌کرد. کمی درباره این اتفاق توضیح می‌دهید؟

در کوتاه‌ترین زمان ممکن سامانه‌دهی شد. با برگزاری این جشنواره، نشاط و هیجان عمومی و صحبت‌های نقد و بررسی همه آب را گل‌آلود نکند و فضای پاس و سرخوردگی را در کشور دنبال نکند. نسبت به چنین نشاط اجتماعی و اکنش نشان ندادند. اگر واکنش نشان نمی‌دادند معلوم بود کار ما موفق نبوده است و با این واکنش مرتفع توقیع و الزبخشی این جشنواره شدیم که در فضای داخلی کشور توانست گفتمان‌سازی کند. شعار «به سمت قله» شعاری بود که برگرفته از ادبیات راهبردی رهبری است. رسانه‌های بیگانه این راهزنی ثابت‌شده که ما در حوزه کودک و نوجوان و نشاط اجتماعی شعاری راگفتمان جشنواره فیلم کنیم که موفقیت نسل آینده را نمایان می‌کند. اما آن چیزی که گفتند مورد بی‌منطقی بود. مثلا ۸۲۵ هزار کودک و نوجوان داشتیم و تقریبا به‌طور مساوی فرزندان ما اعم از دختران و پسران ثبت نام کردند و ۸۱۵ پسر و ۸۳۰ دختر داشتیم که تعداد داوران مساوی بود و دو سینمایی که به اینها اختصاص دادیم هر کدام ۲۵۰-۲۶۰ صندلی داشت و صندلی‌ها به نسبت داوران به‌طور طبیعی برابر بود تا بچه‌ها راحت‌تر باشند. ضمن اینکه از مدارس هم روزانه هزار تا هزار و ۵۰۰ نفر می‌آمدند و برای جلوگیری از سردرگمی دو سالن مجزا با این نسبت کمی و کیفی که داوران ثبت‌نام کرده بودند، مهیا شد. طبیعی از خانواده‌ها بابت این تدبیر از ما تشکر کردند چون بچه‌ها اغلب روزها سه سانس فیلم می‌دیدند. در یک روز پذیرج نوبت فیلم می‌دیدند و طبیعتا تماشای سه تا پنج فیلم طی یک روز نیاز داشت محیط با آرامشی برای بچه‌ها باشد و رسانه‌های غربی چون نمی‌توانستند برای جشنواره حاشیه درست کنند، دنبال آسمان و ریسمان بافتن بودند و این خبرسازی‌ها واهی را التهاب دادند. از اینکه این خبر منتشر شد ما خوشحال شدیم چون توفیق جشنواره را در این خبرهای حاشیه‌ای می‌توان جست‌وجو کرد.

وضعیت سینمای کودک و نوجوان یک بحران جهانی است نه ایرانی

محمود گنارلو
منتقد و کارشناس سینما

پیشرفت تکنولوژی و دسترسی آسان به شبکه‌های تصویری به خصوص شبکه نمایش خانگی منابع از حضورگسترده کودک و نوجوان به سالن‌های سینما لطمه است، طبق نظریه روانشناسان هوش ذهنی کودکان امروز سرشار از خلاقیت و همراه با شتاب و سرعت در سیدن به میل و نیازش است. در لحظه، سیاست راهبردی سینمای جهانی برای کودک و نوجوان درحال تغییر و دگرگونی برای پیدا کردن راه‌های سریع‌تر و پیشرفته‌تر جذب کودک و نوجوان است. طبعا ایران هم ۵ چار چنین معضل پوشه‌های است. [هرچند من توان گفت از لحاظ نوآوری و به‌روز بودن آن کجا و این کجا!] همه از قافله دنیای ذهنی کودک و نوجوان عقب افتاده‌اند تا سیاستگذار یا فیلمسازی تصمیم راهبردی و کاربردی می‌گیرد که یکند. به سرعت برق کودک و نوجوان خواسته و نیاز جدیدش را مطرح می‌کند که اصلا در ذهن سیاستگذاران و فیلمسازان خطور نکرده است. این واقعیت امروز است و با این استدلال باید قضاوت عادلانه کرد. با قدرت گسترده شبکه‌های اینترنتی دیگر مرزهای فکری برداشته شده و کودک اروپایی و آسیایی از یک منبع مشترک تغذیه می‌کنند بنابراین به یک همگرایی و همدلی جهانی نیاز است تا نقاط مشترک تربیتی راکشف کنند. ایرانی که روزی فیلمسازان، تهیه‌کنندگان و حتی سال‌های سینمایی مختص کودکان و نوجوانان داشت امروز از هر جهت به بن‌بست رسیده است؛ اما باید از نق زدن و غرغر کردن و قضاوت‌های ناعادلانه پرهیز کرد و با آسیب‌شناسی برای این میز حساس و پرظرفیت چاره‌ای اندیشید.

با فیلمسازی تصمیم راهبردی و کاربردی می‌گیرد که چه یکند. به سرعت نیاز ضروری است که در جشنواره‌ها و محافل تخصصی درباره وضعیت موجود و راهکارهای آینده بحث و بررسی کرد.

رقابت در این فضا بسیار سخت است اما ناشدنی نیست، شاید در این آسیب‌شناسی نیاز باشد تشکیلات قدیمی و پوسیده که روزگاری سرد مدار بودند، پا گیره تحقیقاتی راه پیدا دارند تا در وهله اول کودک و نوجوان ایرانی صنعت امروز را بشناسند و خواسته و نیازهای را درک کنند تا با آگاه‌سازی متولیان آموزشی از سیستم کهنه گذشته پرهیز کرده و به تجهیز امکانات تکنولوژی روز از فیلمسازانی بهره ببرند که بر این مدعا مسلط باشند. جشنواره را به این جهت باس می‌نهیم و انتظار داریم صاحب‌نظران و متخصصان با تسلط و آگاهی بر شرایط امروز تصمیم‌گیری کنند.

ادامه از صفحه ۱۳

شنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۲
۵۱۲
شماره ۳۹۸۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

به مناسبت زادروز مسعود بختیاری از نوابغ موسیقی اقلیمی

آوای مسعود زیر و بم تاریخ ایل

سهیلا عباس پور
خبرنگار گروه اندیشه

موسیقی رابطه‌ای انکارناپذیر با جغرافیا و سایر عناصر مانند موسیقی‌های دیگر دارد که شیوه و میزان تاثیرگذاری آن را متاثر می‌کند. این ویژگی‌های تاثیرگذار موسیقی در کنار مکانی که نواخته و فراگیر می‌شود، بر سیاست، اجتماع و اقتصاد منتأثر و نتیجه است و از موسیقی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم نابرابری‌های اقتصادی و هویت سیاسی یاد می‌شود. گفته می‌شود جغرافیا در این ارتباط نزدیک با موسیقی، بخشی از شعر در سبک موسیقی‌های گوناگون گسترده زمین می‌شود که از سوی هنرمند به صدا درآید. سلیقه و ذائقه هنرمندان عرصه موسیقی نیز برخاسته از این خاستگاه جغرافیایی آنهاست. موسیقی منبعی غنی از تصاویر و نمادگرایی است و انتخاب عناصر زمینه‌ای در بستر جغرافیایی از سوی هنرمند برای ارائه، آنها را به قالب موضوعی برای فهم شنوندگان درمی‌آورد تا تصاویر موسیقیایی را درک کنند. با این نگرش، موسیقی تنها به مثابه سرگرمی یا بخشی از تبلیغات نیست، بلکه ابزاری برای تجزیه و تحلیل‌های چندگانه است و نگاه ما از جهان و موقعیت‌مان در رابطه با دیگران را شکل می‌دهد. این موسیقی گاهی به عنوان ابزار ارتباطی، زمانی به منظور نمایش اجتماعی و بازتمایی هویت سیاسی و مبارزه ساخته می‌شود یا مورداستفاده قرار می‌گیرد. موسیقی اقلیمی و بومی بنا بر ویژگی‌های خاص یک منطقه با تاحیه مولود همین تفاوت‌های فضایی و مکانی است و در گستره‌ای سرزمینی با پهنای ایران بنا بر تعدد ویژگی‌های خاص جغرافیایی سبک‌ها و ابزار موسیقیایی را به ارمغان آورده است، اگر از دیدگاه تاریخی به این تاثیر و تأثر جغرافیایی بپردازیم، افت و خیز موسیقی، گسترش آن و تغییر سبک و ذائقه شنوندگان را می‌توان بسیار ملموس‌تر دریافت. مسعود بختیاری، معروف به بهمن علاءالدین بی‌شک از نوابغ موسیقی سنتی و اقلیمی ایران است؛ معلم ساده ایل مسلط به تاریخ و ادبیات و مردم‌آشنایی سردیار که هنوز ناگسی نشینان با صدایش روزگار گذشته به چندان دور را مرور می‌کنند و در همهمه حافظه جمعی‌شان از مجال دیرورد ناقلنگ نام‌ها و یادها می‌شوند. آوای مسعود، زیر و بم تاریخ پرغبار ایل بود که در سالیان پس از سیاست تخت قاپوی عشایر می‌رفت تا کوچ‌نشینی را از خاط جنگل‌های بلوط و بیشه‌های گزپرزیاد و ازبی‌ی جدال و کشمکش‌های بی‌پایان و ساختگی به ویه‌فزنی چهارو هفت بختیاری، ریشه‌های قوی‌فرهنگ‌ستیر ایل را بخشکاند. در همین تلخ‌ترین برهه‌تاریخ ایل که به بن‌نفت مناسبات کوچ‌نشینان پی‌و زیستگاه‌شان را گرمی‌در گذر مدرنیته‌ای خانگرگ و غریب به سردی گرایید بود، دست در پناه‌بخت نفت ایران مسعود آواز ایران متولد شد. ادبیات، هنر و موسیقی در پیوند با جغرافیا و زیست بوم هر مردمی زنده و ماناست و هر چه بی‌ارتباط‌تر و گسسته‌تر، دوام و جاودانگی‌اش بی‌سی کمتر و سست‌تر می‌توان گفت محال خواهد بود. معلم ایل این پیوند را دریافته بود و اینب تار و پود کهنه سیاه‌چادر ایل، غبار مسی‌اسان مشروطه خاهران را هنوز می‌دید و در امتداد آوای نی چوپانان روان بر سینه کوهسار به حکایت صبح و آفتاب گوش می‌سپرد. آن هم در روزگار خفقان و سیاه ایران. پس او در پی احیای هرآنچه از سنت ایل که از دست رفته بود، «الناولز» را خطاب به مردم ایل بازخواند تا مهنتی را زنده کند و اسطوره‌هایی را که در دل مردم ایل همچنان زنده و واقعی بودند این بار در دنیایی از شور و صدا بیافریند. عاطفه و احساس که بهنه گسترده آواز و غناست، در شعر و صدای مسعود جادو یار با همه عناصر طبیعت (اگرس و بند، بید ایل گره چنان خورده بود، که گویی تنها روایت است و قصه، قصه همیاری و تعاون ایل در رنق و فتق آنچه رنج کوچ و کوچ‌گزینی به آنها تحمیل می‌کرد و به همه‌سختی هایش کوچ نشینان هنوز با خشنودی خویش‌ارباب بودند؛ از کوچ و کن کن ایل و وارگاه سوت و کور باقی‌مانده پس از کوچ تا رنج کشتکار و رو و آواز پرسوز و گداز برگزاری که موسم دو یا بار شمال نجام می‌گردند تابه داشتن برسه و از پی جنبانند دامی‌ها منفکر خبری بودند تا شادشان کند، شاد کسی برایشان «بیداد» بخواند تا خار دل‌شان شاد را چیده و گل جای آن بروياند و آن گونه بر خستگی کار و هرم گرمای آفتاب صبر می‌کردند، روزهای خشکی که به انتظار باران آسمان را می‌نگریستند و تنها آنش بود که از آسمان می‌بارید، که ناگهان نرمه بارانی خاک تشنه زمین را ترمی‌کرد و این همه تصویر و قصه را مسعود تنها به آواز درآورده بود تا امید را در دل مردمانی خسته از رنج روزگار زنده نگه دارد و آنها را به پیوندی دوباره با ارزش‌ها و باورهای هویتی فراخواند. که اگرچه امور ساده هر روزه ایل و ایل نشینان بود و بسیار پیش پا افتاده، اما در کنه آن فرهنگی پس سترگ، غلیان داشت و نبض پرتپش زندگی را تدارم بخشیده بود؛ از آتش هیزم برم چای و هم نشینی عشایر در دامنه پرشکوه زاگرس تا آیین درخواست باران، در غروب دشت که همچنان خود به گفته قیصر آن شادی محزون، همراه همیشگی حنجره کوچ نشینان نی‌زبان سرگشته بود. با دکی این گونه از حیات ایل و در یافتن ریشه‌های فرهنگی اهالی کوچ، کبک خوش‌رنگ تنها صید و شکار و نقش گلبیه نبود، بلکه همدم خوش‌نوایی بود که قهقهه زنان و چالاک، وارگه را می‌پیمود تا آن راکه باید بر سر شوق آورد و به تماشا بنشاند. اما همین کبک آن هنگام که بر فراز نازل می‌خواند، به اقتضای احوال و ناسازگاری دوران هنرمند دل‌نازک از شنیدن صدای رقت‌انگیزش تحمل کم می‌آورد. موسیقی و آواز این گونه در پیوند با زندگی مردم و متاثر شرایط و موقعیت بر آن معنامی یابد، درست همان جاکه انسان‌ها در تنهیب لحظه‌ها و غم می‌نشینند و گردهرامونی برداشته‌هایی دیرین می‌نشیند و گویی فردایی در کار نخواهد بود. خواندن از من و تو و توصیف صرف آنچه ماین من و نیست، جایی که رنج زندگی جمعی زیست مرسوم در دل طبیعتی بس پیش‌بینی‌ناپذیر و دگرگون احوال است، طوری با جذابیت و شوق شنیدن گره می‌خورد که با گذر از ملالت و هیجان کم کمتر انسانی آن را تجربه نکرده است. فهم دیگری از زندگی را به همان سادگی آفریننده باشد. حتی اگر تجربه آن، زیستن یا خطر باشد. این همان مانایی و خلود آوازاست که بر آستانه‌های دیگری از حقیقت زندگی و درد بشری طنین اندازمی شود و تار و پود شعری اش را واژه‌های ناب و برگزیده از دورافتی زندگی می‌بافد و با هی جارش نوید روزهای روشن‌رامی دهد که انسان‌ها، پیرامون ملولی‌ها از خیر به بهانه‌هایی رنگارنگ همچنان دور هم گرد می‌آیند، گاهی شاد و گاهی غمگین با تمام اضافتی که در شعر به بیان آمده است. موسیقی در این پیوستگی با سرزمین و همه جنبه‌های زیست آدمی جزئی از هویت می‌شود؛ چراکه فرد در دنیایی از تکثر و تمایز، روایت‌مند می‌سازد و معرف است که اگرچه یک اقیانوس اما دلش از یاکی به بهنه آسمان است و دلتنگ بابونه‌های وحشی می‌شود و این سرشت گاه به گاه دگرگون‌شونده طبع آدمی است که از ماهیت پویای طبیعت گریزی ندارد.

ادامه از صفحه ۱۲

شنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۲
۵۱۲
شماره ۳۹۸۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

جشنواره سینمای کودک و نوجوان و حکایت لنگه‌کفش و بیابان

جوین جعفری
خبرنگار

نوشتن از سینمای کودک خیلی آسان نیست چون هر بار که می‌خواهیم درمورد این موضوع چیزی بنویسم حرف‌هایمان تکراری می‌شود. بارها و بارها به مناسبت‌های مختلف به سینمای کودک و نوجوان پرداخته‌ایم و هر بار هم حرف‌ها کم و بیش یکی بوده. دلیل؟ یکم: سینمای کودک و نوجوان به حوض کم‌عمقی می‌ماند که عرض دارد و طول و مساحت زیادی ندارد و ارتقا و رشد نمی‌کند. انتخاب یک یا چند فیلم یا کتاب یا مقاله یا اثر هنری به‌عنوان آثار برتر معنایش این است که نگاه تراز ما به این مقوله این است و هرکه با این نگاه باشد را هم تشویق می‌کنیم و این آثار برگزیده هم نزدیک‌ترین آثار به نگاه و ایده‌آل ما هستند. تا اینجایش قبول؟ حالا می‌رسیم به بخش کارکرد این تبلیغ. انتظار می‌رود جایزه یک جشنواره برای آن فیلم یا اثر هنری سود مالی هم داشته باشد دیگر، یعنی مهر تایید یک جشنواره باید مخاطب را ترغیب کند که این اثر را تهیه کنند، مثلا اگر کتابی برنده جایزه نویل شد دست‌کم باید در این دنیای هشت میلیارد نفری چند ده میلیون نسخه بفروشد. یا اگر اسکار گرفت میلیون‌ها نفر باید آن را تماشا کنند یا کارگردان و دیگر دست‌اندرکاران این فیلم در مذاکرات بعدی برای کارای آتی، وزن سنگین اسکار را روی کفه حقوق و دستمزد و رفاه خود حس کنند. وقتی ما عملا در ایران گیشه سینمای کودک نداریم و فیلم‌ها خیلی سودی در این جشنواره عملا به سود دارا؟ مفهوم هم ندارند و شاید به فیلمفارسی‌ها هم تنه‌ای بزنند.

دوم: پیرامون جشنواره کودک و نوجوان نقدی نداریم. همین که جشنواره‌ای برگزار بشود و اسمی از سینمای کودک در رسانه‌ها بیاید خودش در این بیابان بی‌توجهی لنگه‌کفشی است. با این همه به نظر می‌آید که باید بنشینیم و میزگردی بگذاریم یا دست‌کم با مسئولان سینمای کودک مصاحبه‌ای کنیم که ببینیم برگزاری این جشنواره از سر تقویم است یا تصمیم و تصمیم‌سازی؟ جشنواره هرجای دنیا که برگزار شود و در هر حوزه‌ای که برگزار شود، خواسته، نیت و هدفش فرهنگ‌سازی یا اشاعه فرهنگ است و چیز دیگری نیست. انتخاب یک یا چند فیلم یا کتاب یا مقاله یا اثر هنری به‌عنوان آثار برتر معنایش این است که نگاه تراز ما به این مقوله این است و هرکه با این نگاه باشد را هم تشویق می‌کنیم و این آثار برگزیده هم نزدیک‌ترین آثار به نگاه و ایده